

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/03/11



مسئله 14

مسئله چهاردهم از احکام نجاسات: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اذا رأي الجنب نجاسه في المسجد فان امكنه ازالته بدون المكث في حال المرور وجوب المبادرة اليها و الا. فالظاهر وجوب التأخير الي ما بعد الغسل لكن يجب المبادرة اليه حفظا للغوريه بقدر الامكان و ان لم يمكن التطهير الا. بالمكث جنبا فلا يبعد جوازه بل وجوبه وكذا اذا استلزم التأخير الي ان يغتسل هتك حرمته.

اگر شخص جنب نجاست را در مسجد ببیند، اگر برایش ممکن است ازاله بدون مکث، واجب است

اگر شخص جنبی، نجاستی را در مسجد ببیند و اگر برای آن شخص ازاله آن نجاست بدون مکث در حال مرور ممکن باشد، واجب است که جمع بین حقین کرده است و مانعی ندارد. جنب مجاز است که مرور بکند از مسجد اطلاقا یا به استثناء مسجدین که سید بروجردی و امام خمینی می فرمایند مرور واجب است الا در مسجدین مسجد الحرام و مسجد النبی. در این صورت بحثی نیست و مزاحمتی به وجود نیامده و باید این کار را بکند.

اگر ازاله ممکن نیست ازاله را تأخیر اندازد تا غسل کند

اما اگر امکان نداشت که در حال مرور نجاست ازاله بشود، در این حالت می فرماید ظاهر این است که ازاله را به تأخیر بیندازد تا اینکه غسل کند ولیکن به طرف غسل که می رود یک مقدار با سرعت برود و فوریت رعایت کند تا حفظ بر فوریت ازاله به عمل آمده باشد.

اگر جز مکث امکان ندارد، بعید نیست جواز ازاله

اما اگر جنبی است و مسجدی است و نجاستی در آن است و تطهیر و غسل ممکن نیست و ازاله هم بدون مکث نمی شود، در این صورت بعید نیست جواز آن مکث بلکه وجوب مکث برای ازاله نجاست. و همچنین واجب است اگر غسل کردن آنقدر طول بکشد و کجا محفوظ از ناظر محترم باشد و امثال، که مسجد متنجس بماند هتك حرمت بشود، اینجا هم غسل

واجب نیست و يك تیمم کند و فوراً ازاله کند در همان حالتی جنب است. این متن عروه بود.
شرح مطلب

اما برای شرح این مطلب و توضیح این مسئله سیدنا الاستاد [1] قدس الله نفسه الزکیه این مسئله را شرح می دهد و می فرماید: اگر چنانچه ازاله نجاست از مسجد در حالتی پیش بیاید که فرد مکلف جنب باشد و مکلف دیگری هم وجود نداشته باشد و منحصر این يك فرد جنب باشد و نجاست هم در مسجد باشد، در این صورت مسئله می شود از باب تزاحم، تزاحم بین حرمت مکث و وجوب ازاله.

سه صورت مسئله

بعد از این می توانیم بگوییم که این مسئله سه صورت دارد:

صورت اول تزاحم بین حرمت مکث و فوریت وجوب ازاله وظیفه این است که برود غسل کند بعد بیاید برای ازاله و تیمم کافی نیست

صورت اول این است که تزاحم واقع بشود بین حرمت مکث و فوریت وجوب ازاله. از يك طرف اگر مکث بکند حرام است و از طرف دیگر وجوب ازاله فوری است که اینجا در حقیقت تعارض بین دو حکم نیست بلکه بین حکم از يك سو و وصف حکم از سویی دیگر. حرمت مکث حکم است و فوریت وجوب ازاله وصف حکم است پس تزاحم بین حکم (حرمت مکث) و وصف حکم (فوریت وجوب ازاله) است. به طور طبیعی در این مورد طبق مذاق شرع اصل حکم بر وصف حکم مقدم و اهم است پس باید از وصف حکم دست برداشت که فوریت باشد و اصل حکم که حرمت مکث را باید رعایت کرد. در این صورت اول که تزاحم بین اصل حکم و وصف حکم باشد، اصل حکم را مقدم می داریم و در عمل مکث را اجتناب می کنیم و فقط چیزی که به وجود می آید، فوریت ازاله ترك شده است و وظیفه این است که باید برود برای غسل و غسل را انجام می دهد و بعد از آن ازاله نجاست می کند و اصل حکم اینجا امتثال می شود. سید الحکیم [2] می فرماید: اگر بگوییم تیمم هم ممکن است، جواب این است که تیمم يك حکم ثانوی است و در وقت ضرورت است و قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها» هم است. هر کجا که نصی آمده باشد، همان جا به آن حکم و دستور ثانوی عمل می کنیم و اطلاقی دیگر نیست. بنابراین مشروعیت تیمم برای مکث در مسجد ثابت نشده است. مشروعیت تیمم برای فاقد ماء برای نماز و روزه و حج ثابت شده است.

صورت دوم جنب است و مسجد متنجس است و مکلف دیگری هم نیست
اما صورت دوم مسئله: مکلف جنب است و مسجد متنجس است و تکلیف هم عینی و مکلف دیگری هم نیست، در این صورت امر دائر است بین حرمت مکث و وجوب ازاله،
قاعده فقهی

سید الاستاد می فرماید: قاعده فقهی این است که اگر مقدمه واجب فعل حرام باشد، باید به اهم و مهم مراجعه کرد. به اهم و مهم که مراجعه کنیم می بینیم اهمیت حرمت مکث در آیات و روایات ثابت شده است اما وجوب ازاله هم می بینیم که اعتبارش از اجماع بود. بنابراین اهمیت حرمت مکث مشهود است و مشروعیت تیمم هم اینجا ثابت نیست برای اینکه تابع دلیل خودش است. دلیل درباره مکث در مسجد شامل شرعیت تیمم نمی شود. تیمم که مشروعیتش اینجا ثابت نیست، امر دایر است بین حرمت مکث و وجوب ازاله، از آنجا که حرمت مکث از آیات و روایات استفاده می شود و آن ادله حرمت مکث را اعلام می

کنند. سوره نساء آیه 49 خدای متعال می فرماید: «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا» که این آیه صراحت دارد که جنب نمی تواند وارد مسجد نمی تواند بشود مگر عبور می تواند بکند.

حدیث زراره و محمد بن مسلم

مضافاً بر این آیه در نص صحیح هم تفسیر شده است صحیح زراره و محمد بن مسلم. راوی اول شیخ صدوق عن ابیه عن سعد بن عبد الله قمی که از اجلاء و ثقات است عن یعقوب بن زید که از اجلاء و ثقات است عن حماد بن عیسی که از مشاهیر و اصحاب اجماع عن حریر بن عبد الله عن زراره و محمد بن مسلم از دو شیخ اقدم و اجل «عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قُلْنَا لَهُ الْحَائِضُ وَالْجُنُبُ يَدْخُلَانِ الْمَسْجِدَ أَمْ لَا قَالَ الْحَائِضُ وَالْجُنُبُ لَا يَدْخُلَانِ الْمَسْجِدَ إِلَّا مُجْتَازَيْنِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا» [3] سند صحیح و دلالت واضح است و از سوی دیگر آیه را تفسیر کرده است. پس از که اهمیت حرمت مکث معلوم بود، حرمت مکث مقدم می شود و ازاله واجب نیست. این فتوا و این تحقیق مخالف با فتوای در متن می آید و از لحاظ مبنا هم درست است و ادله هم کاملاً محکم است. سید طباطبایی که فرموده است باید مکث کرد و به ازاله نجاست پرداخت، قطعاً اهمیت آن آنجا برای ایشان ثابت نشده است اما پس از این تحقیق و توضیح اهمیت حرمت مکث، مطلبی است واضح.

صورت سوم: جنب هست و فاقد ماء و نجاست در مسجد وجود دارد ولی ابقاء نجاست موجب هتك حرمت مسجد می شود

صورت سوم مسئله: جنب هست و فاقد ماء، و نجاست در مسجد وجود دارد و تطهیر به آب ممکن نیست، الان باید دست از ازاله بردارد که گفتیم اما اگر این ابقاء نجاست در مسجد موجب هتك بشود، در این صورت همان قانون تراحم هست و اهم و مهم، که در اینجا اهم حرمت هتك هست. چون فقها هتك حرمت شعائر الله هتك حرمت خداست. آن در بالاترین مرحله قرار دارد و آن مقدمه می شود. پس در صورتی که حرمت هتك مقدم شد، باید به ازاله مبادرت کند و وجوب ازاله متعین است. اینجا گفته اند که تیممی هم بکند برای غایتی از غایات به این نحو که قصد کند دو رکعت بخواند در مسجد و برای خواندن دو رکعت تحیت که غایتی از غایات تیمم است، تیمم بکند و با تیمم وارد بشود بعد ازاله نجاست بکند که در این صورت معلوم می شود که حرمت هتك مقدم است بر حرمت مکث. پس از که صورت سوم معلوم شد، الان تطبیق کنیم: فتوای متن صورت اول و صورت سوم درست است، صورت اول این بود که تراحم بین حکم و وصف حکم باشد، که حکم مقدم است. صورت سوم که حرمت مکث مزاحم باشد با حرمت هتك که حرمت هتك اهم است و از این رو باید این مقدم داشته باشد و آنچه در متن آمده، درست است. اما صورت دوم دوران حرمت مکث با وجوب ازاله که در آنجا گفتیم حرمت مکث اهمیت آن از نصوص ثابت شده است و باید حرمت مکث را مقدم داشت. این فتوا همان طور که گفته شد علی المبنا می شود. آنچه ظاهر امر است این است که از باب تراحم بودن مسئله، اهمیت حرمت مکث از نظر نصوص ثابت است و فتوا آنچه سیدنا الاستاد فرموده اند درست و متین به نظر می رسد. اما آیا احتیاط اینجا ممکن است؟ اینجا احتیاط ممکن نیست و دوران امر بین متزاحمین است. اما اگر احتیاط نکنیم و حرمت مکث را اهم بدانیم مسجد در همین حالت بماند؟ ما در

اينجا مي گوييم احتياط براي خود مكلف ممكن نيست اما وظائفي ممكن است احتياطاً اعلام بشود وظيفه بدل بشود. چگونه در صورت عدم تمكّن مي توانيد نائب بگيريد؟ قاعده فقهي: در تكاليف يا در تعبديات نيابت در حالت حيات جايز نيست اما اگر يأس از انجام عمل بوجود مي آيد، آن كالميت فرض مي كند. مثلاً آدم زنده نمي تواند نائب بگيرد براي حج اما اگر كسي مريض است و مرضش را تشخيص دادند كه خوب شديني نيست مثلاً مرض كهولت است، اينجا مي تواند نائب بگيرد. اما در توصليات نيابت از اول مشهود است.

توصلي را با قصد قربت مي شود انجام داد ولي واجب نيست

سوال و جواب: قصد قربت در توصلي مي شود ولي واجب نيست. معنای توصلي اين نيست كه قصد قربت در توصلي امكان ندارد. قصد قربت در توصلي واجب نيست و جزء وظيفه نيست و دخل در اسقاط تكليف ندارد اما مي شود قصد قربت كند. استادنا العلامة شيخ صدرآ مي فرمود: تمامي اعمال و افعالتان را مي توانيد عبادت درست كنيد. اگر گفتيد نمي شود درباره هر عمل ثاني و توقف و تصور و تصديق قصد كنيم، جوابش اين است كه در شكل وسواس ها كه نيست اما قصد اجمالي كافي است. صبح قصد كنيد كه امروز كل كارهايي كه انجام مي دهيم براي الهي براي تو رضاييت تو باشد. قصد قربت چند معنا دارد: قصد امر يا قصد اطاعت امر يا امثال امر و معنای ديگر كه درست است اين را كار را اضافه كنيد به خدا كه خدايا براي تو. اين قصد قربت است. توصلي با قصد قربت منافات ندارد ولي واجب نيست و اسقاط تكليف بدون قصد قربت هم مي شود. در اين مسئله مي گوييم جنبي كه امكان ندارد تطهير بكند و برايش احتياطاً لازم است كه كسي را استخدام كند براي ازاله نجاست و اگر كسي انجام نداد و طلب پول كرد، كرايه كنيد تا اينكه ازاله نجاست از مسجد بشود.

[1] 1. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 291 تا 293.

[2] 1. مستمسك العروه الوثقي ، جلد 1 ، صفحه 511.

[3] 2. وسائل الشيعه ، جلد 1 ، باب 15 از ابواب جنابت ، حديث شماره 10.